

«لشکر خوبان» روایت خوب و نگارش بسیار ممتازی دارد

هر تک‌تک و قسمت‌قسمت قضایای دفاع مقدّس برجسته است؛ یعنی واقعاً هرچه انسان بیشتر غور می‌کند، بیشتر دقت می‌کند، بیشتر اطلاع پیدا می‌کند، عظمت این پدیده‌ی عجیب و حادثه‌ی مهمّ هشت‌ساله در چشم انسان بیشتر روشن می‌شود.



بیانات رهبر انقلاب در دیدار راوی، نویسنده و دست‌اندرکاران کتاب #171&؛ لشکر خوبان»

#171&؛ لشکر خوبان» روایت خوب و نگارش بسیار ممتازی دارد

هر تک‌تک و قسمت‌قسمت قضایای دفاع مقدّس برجسته است؛ یعنی واقعاً هرچه انسان بیشتر غور می‌کند، بیشتر دقت می‌کند، بیشتر اطلاع پیدا می‌کند، عظمت این پدیده‌ی عجیب و حادثه‌ی مهمّ هشت‌ساله در چشم انسان بیشتر روشن می‌شود. به گزارش جام جم آنلاین، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای متن بیانات ایشان را در دیدار راوی، نویسنده و برخی از دست‌اندرکاران کتاب لشکر خوبان منتشر کرد.

متن این بیانات به شرح ذیل است:

... خداوند ان شاءالله، هم به شما برادران عزیزی که در دوران دفاع مقدّس این زحمات را کشیدید اجر بدهد و ان شاءالله عزّت شما را - هم در دنیا، هم در آخرت - روزافزون کند، هم به آقای رضایی که این کتاب (۱) را روایت کردند و همچنین به خانم سپهری که این کتاب را تحریر کردند اجر بدهد؛ هم روایت روایت بسیار خوبی است، هم نگارش نگارش بسیار ممتازی است. این خانم قبلاً هم کتاب نورالدین (۲) را نوشته بودند؛ خیلی واقعاً ارزش دارد این قلمها. بنده خدا را شکر میکنم وقتی که برخورد میکنم به این پدیده‌های بسیار برجسته و شیوای ادبیات انقلاب اسلامی؛ واقعاً جای این دارد که انسان خدا را شکر کند.

هر تک‌تک و قسمت‌قسمت قضایای دفاع مقدّس برجسته است؛ یعنی واقعاً هرچه انسان بیشتر غور میکند، بیشتر دقت میکند، بیشتر اطلاع پیدا میکند، عظمت این پدیده‌ی عجیب و حادثه‌ی مهمّ هشت‌ساله در چشم انسان بیشتر روشن میشود. ما که حالا آن وقت در جریان مسائل قرار می‌گرفتیم، فرماندهان می‌آمدند به ما گزارش میدادند، خیال می‌کردیم که همه چیز را میدانیم؛ وقتی انسان این کتابها را می‌خواند، معلوم می‌شود که ما یک چیز خیلی مختصری را از آن اقیانوس عظیم فعالیت و تلاش و جهاد و ارزش اطلاع داشتیم؛ واقعاً خیلی فوق‌العاده است.

خب، قبلاً چند کتاب دیگر هم بود که خواندیم؛ این کتاب #171&؛ لشکر خوبان» هم که این خانم نوشتند که مربوط به لشکر عاشورا است، بسیار کتاب خوبی است، بسیار؛ از این جهت هم اهمّیت دارد به طور ویژه که درباره‌ی نیروهای اطلاعاتی و نیروهای غوّاص است. چون اطلاعاتی‌ها حرف که نمی‌زنند با آدم - همان #171&؛ گفتند نگویند» [را رعایت میکنند] - لذا خیلی از مطالبی که اینها دارند و اطلاعاتی که دارند، معمولاً در طول این سالها مکتوم مانده؛ اینها باز بشود، روشن بشود. ماجرای غوّاصها هم که واقعاً یک ماجرای عجیب و غریبی است، یک ماجرای بسیار برجسته‌ای است؛ در این کتاب، خوب تشریح شده. یکی از بزرگ‌ترین هنرهای نویسنده‌ها - یعنی کسانی که روایت مینویسند، چه رمان نویس، چه داستان کوتاه، چه خاطره - و یکی از مهم‌ترین بخشهای کارشان این است که بتوانند لحظات حسّاس را ترسیم کنند. بعضی از کتابها را انسان نگاه میکند، داستان مفصّلی است، وقتی به آن لحظه‌ی حسّاسی که یک حادثه‌ی درونی در وجود یک شخصیتی از شخصیت‌های این داستان دارد شکل می‌گیرد یا یک اتفاق مهمّی دارد در بیرون می‌افتد، چون نمیتوانند تصویر کنند، از اینجها می‌گذرند؛ مثل کسی که نقطه چین کند یک بخشی را، نقطه چین میکنند، می‌گذرند.

این خاطراتی که نوشته میشود، من حالا دارم می‌خوانم - یعنی سالها است که من با این خاطرات بحمدالله مأنوسم و می‌خوانم - یکی از محسّنات این نگارشهای خوب و برجسته این است که این لحظه‌های حسّاس را توانسته‌اند تصویر کنند، توانسته‌اند تشریح کنند، توانسته‌اند بیان کنند. بعضی از لحظه‌ها هست که جز با تصویر جسمانی و نمایشی قابل فهمیدن نیست؛ [اگر] این را کسی بتواند در نگارش، خوب بیان کند، خوب تصویر کند، واقعاً هنر بسیار بزرگی است؛ حس را منتقل میکند به خواننده از هر زبانی؛ یعنی به هر زبانی این جور نوشته‌ها ترجمه بشود، بسیار مفید خواهد بود، یعنی میتواند پیام را برساند؛ چون واقعاً هنرمندی به کار رفته در بیان - هم بیان راوی، هم نگارش نویسنده - و خیلی خوب تشریح شده. خب، لحظات حسّاس هم که در این کتابها کم نیست؛ بخصوص در این قضیه‌ی غوّاصها و آن تشریح و تصویری که از غوّاصها و از کار آنها شده و آن شعر #171&؛ غوّاصلار» حاج صمد ... یعنی [برای] کسی که می‌فهمد این مضمون را، واقعاً اینها تکان دهنده است. هم گوینده خیلی خوب گفته، هم این حاج اصغر آقای مدّاح زنجانی که ظاهراً این را خیلی خوب می‌خوانده: لای لای ای جبهه لرین یورغونی / ای خسته جوان لار ... لای لای ارون‌دکناریندا / قیزیل قانه باتانلار.

بله، خیلی شعرهای فوق‌العاده‌ای است، کتاب هم کتاب بسیار خوبی است. آنچه من توصیه میکنم به همه - هم به خود شماها که

این صحنه ها را با جسم و روح خودتان آزمودید و لحظه لحظه ی این ساعات دشوار را درک کردید و حس کردید، و هم به دیگران - [این است که] نگذارید [اینها] به دست فراموشی سپرده بشود. از اولی که این دفاع مقدّس شروع شد و آن حماسه ی عظیم با نفس گرم امام بزرگوار خلق شد و این جوانها سرازپانشناخته رفتند، همه ی دستهای شیطانی در صدد بودند که نگذارند زیبایی ها و شکوه این حادثه منعکس بشود، همه؛ سعی شان این بود که نگذارند آن عظمتی که در این کار بود، منعکس بشود. بعلاوه بر اینکه خیلی از عظمتها را انسانها تا نزدیک نباشند، تا لمس نکنند، یا لاقلاً با یک شیوه ی هنری از آن مطلع نشوند، نمیتوانند هم آن قضایا را بفهمند. بعدها هم همین جور؛ در طول این سالهای بعد از جنگ - این بیست و پنج سالی که از خاتمه ی جنگ تا امروز گذشته - خیلی ها تلاش کردند که نگذارند این حماسه ها زنده بشود. شماها عکس این عمل کنید؛ نقطه ی مقابل این عمل کنید. شما هم که خودتان آنجاها بودید، بگویید؛ بگذارید این نوشته ها همدیگر را تقویت کند. من در کتاب آقای نورالدین، اسم این آقای مهدی قلی رضایی را دیدم؛ ایشان در همین قضیه ی غواصها، یک جا میگوید که #171؛ مهدی قلی رضایی که از نیروهای باسابقه ی جبهه است؛ اینها همدیگر را کاملاً تأیید میکنند؛ یعنی ابعاد گوناگون قضایا را روشن میکند. [باید] هر چه بیشتر گفته بشود، هر چه بیشتر نوشته بشود، هر چه صادقانه تر منعکس بشود آن جزئیات؛ بدون کم و زیاد، بدون مبالغه؛ یعنی آن حوادث به مبالغه احتیاج ندارد؛ اینقدر عظمت دارد که خود حادثه را که نقل کنند، شکوه خودش و عظمتی را که در دل خودش هست نشان میدهد. هیچ نایستی مبالغه به کار برد. نباید هم کم گذاشت؛ باید همه ی جزئیات مهم و تأثیرگذار را بیان کرد که همه اش هم موثر است. همچنین به این آقایان محترم حوزه ی هنری و بقیه ی دستگاه های نشر هم توصیه میکنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده ها و این فرآورده های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ اینها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوانهای ما، نه جنگ را دیده اند، نه روایت درست و حسابی از جنگ شنیده اند؛ روایت درست، اینها است؛ این کتابها است؛ هر چه میتوانید کاری کنید که در دسترس جوانها قرار بگیرد [تا] جنگ را بشناسند، بفهمند چه بود، چه اتفاقی افتاد، و جمهوری اسلامی چیست؛ ملت ایران چه کسانی هستند. این طاقت عظیمی که در ملت ایران وجود دارد برای مواجهه ی با این امتحانهای بزرگ را دست کم نگیرند. یکی از چیزهایی که ملتها را همیشه زبون میکند و تحت سلطه ی دیگران قرار میدهد، این است که نقاط قوت ملتها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزشهایی، چه توانایی هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. باید ببینند جوانها، بفهمند حادثه ی جنگ چه بود و چگونه جوانهای ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی ها و پیش آمادگی هایی که معمولاً برای این جور کارها لازم است، رفتند و چه کردند. ترجمه هم باید بشود. البته در ترجمه ی اینها، به گمان من باید مترجم کسی باشد که زبانی که به آن ترجمه میکنند، زبان مادریش باشد؛ بدون این نمیشود؛ هم نویسنده باشد، هم زبان مادریش باشد. حالا [در] بعضی از زبانها، پیدا کردن این جور آدمی ممکن است آسان نباشد، اما [در] بعضی از زبانها نه، آسان است؛ میتوانید کسانی را پیدا کنید که مثلاً زبان مادریشان یا زبانی که در دوره ی کودکی با آن پرورش پیدا کردند ولو زبان مادریشان هم نیست؛ مثلاً انگلیسی، من باب مثال. اگر اهل ذوق باشند، اهل نویسندگی باشند، قلم به دست بگیرند، این کتاب را ترجمه کنند، هر چه صرف کنید، می ارزد. البته به شرطی که بتوانید منتشر کنید. دستگاه های استکبار یکی از کارهایشان این است - برخلاف ماها که گاهی خیلی روشنفکر می شویم و میگوییم که همه چیز دست همه کس برسد، آنها نه، آنها بسیار متعصّب و در این زمینه سختگیرند - به آسانی هم نمیگذارند آن چیزی که شما ترجمه کردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خب باید راه پیدا کنید، بتوانید بکنید بنابراین ترجمه خیلی کار مهمی است.

به هر حال ان شاءالله که همه تان موفق و مؤید باشید. امروز خوشحال شدیم شماها را ملاقات کردیم؛ همچنین آقای مهدی قلی رضایی را، همچنین یک بار دیگر آقای نورالدین را. ان شاءالله که همه تان موفق باشید، مؤید باشید، ان شاءالله همیشه سربازان ثابت قدم انقلاب باشید همه تان. همچنین خانم سپهری که واقعاً زحمت کشیدند، کار ایشان، خیلی با ارزش است، خیلی؛ خداوند ان شاءالله به ایشان توفیق بدهد. و بدانید خانم سپهری که این کاری که شما کردید - این دو کتابی که حالا بنده دیدم درآوردید - تحقیقاً مصداق جهاد فی سبیل الله است، برای خاطر اینکه دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل الله سعی دارند که نگذارند این راه روشن مقابل چشمها قرار بگیرد؛ شما درست عکس آنها، نقطه ی مقابل آنها عمل کردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، ان شاءالله که خدا از شما قبول کند و ان شاءالله خداوند نیتهای همه ی ما را خالص کند، کار ما را، فکر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته